

مسائل اخلاق فناوری اطلاعات
در روایات اسلامی؛ جمعی از
پژوهشگران؛ (مجموعه: مطالعات
و پژوهش‌های مربوط به حوزه‌های
طرح تسما: اخلاق در فناوری
اطلاعات، شماره ۱)؛ قم: دانشگاه
قم؛ تهران: شورای اطلاع‌رسانی،
دبیرخانه، ۱۳۹۱، ۱۱۰ ص، شابک:
۹۷۸-۹۶۴-۸۲۶۱-۷۵-۲.

نگاهی به کتاب مسائل اخلاق فناوری اطلاعات در روایات اسلامی

عبدالحسین طالعی

عضو هیئت‌علمی دانشگاه قم
دانشجوی دوره دکتری واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد

[۱]

اخلاق کاربردی و حرفه‌ای امروز جای مباحث نظری اخلاق را که در گذشته رواج داشت گرفته است. کاربرد اخلاق در حوزه‌های مختلف مانند روزنامه‌نگاری، پزشکی، پرستاری، مهندسی، نگارش و پژوهش، هنر، تجارت و غیره، افق‌هایی جدید از اخلاق بر روی مردم و متخصصان گشوده که در دنیای فعلی بسیار دیدنی است.

در این میان تأمین پشتوانه‌های نظری برای مباحث اخلاقی ضرورتی گریزناپذیر است، به‌ویژه مباحث اخلاقی اسلامی که در دیار ما همگان از آن دم می‌زنند، ولی کمتر منشور مدون و سازمان‌یافته از آن در دسترس است. بدین روی هر گامی که در راه پرکردن این خلأ برداشته شود، گامی است مبارک که باید قدر دانست و ادامه داد.

فناوری اطلاعات مهم‌ترین عامل اثرگذار در زندگی امروز انسان‌ها است. تحولات شتابناکی که در اثر آن پدید آمده، راه سکون و یکنواختی را بر انسان‌ها بسته و با سرعتی فوق‌تصور هر لحظه فضایی جدید می‌سازد که تا چندی قبل حتی قابل تصور نبود.

طبعاً مسائل اخلاقی خاصی پیش می‌آید که تاکنون مطرح نبوده است. این مسائل در دو حوزه باید طرح شود: زمینه کاربردی و زمینه نظری. از سوی دیگر ضرورت و داعیه بومی شدن علوم انسانی و اسلامی اقتضائاتی دارد که باید دریافت و بدان رسید. از جمله زمینه نظری اخلاق حرفه‌ای فناوری اطلاعات.

دبیرخانه شورای اطلاع‌رسانی یک سلسله مطالعات و پژوهش‌ها در زمینه‌های مختلف مربوط سامان داده و برخی را منتشر کرده که در مقدمه این کتاب تحت عنوان سخن ناشر، فهرستی از آنها ارائه شده است.

کتاب «مسائل اخلاق فناوری اطلاعات در روایات اسلامی» یکی از این سلسله آثار است.

چکیده:

فناوری اطلاعات مهم‌ترین عامل اثرگذار در زندگی امروز انسان‌ها است. بواسطه تحولات شتابناکی که در اثر آن پدید آمده، مسائل اخلاقی خاصی در دو حوزه کاربردی و نظری پیش می‌آید که تاکنون مطرح نبوده است. از سوی دیگر ضرورت و داعیه بومی شدن علوم انسانی و اسلامی اقتضائاتی دارد که باید دریافت و بدان رسید. از جمله زمینه نظری اخلاق حرفه‌ای فناوری اطلاعات. دبیرخانه شورای اطلاع‌رسانی یک سلسله مطالعات و پژوهش‌ها در زمینه‌های مختلف مربوط سامان داده و برخی را منتشر کرده است. کتاب «مسائل اخلاق فناوری اطلاعات در روایات اسلامی» یکی از این سلسله آثار است. نویسنده در نوشتار حاضر نقدهای وارد بر کتاب مذکور را در چند گروه ۱. نقدهای روش شناسانه، ۲. نقدهای حدیث شناسانه، ۳. نقدهای ترجمه‌ای، نگارشی و ویرایشی، دسته‌بندی و ارائه می‌نماید.

کلیدواژه:

کتاب مسائل اخلاقی فناوری اطلاعات در روایات اسلامی، اخلاق فناوری اطلاعات، روایات اسلامی، فناوری اطلاعات، نقد کتاب، معرفی کتاب، نقد روش شناسانه، نقد حدیث شناسانه، نقد نگارشی، نقد ویرایشی، نقد ترجمه‌ای.

[۲]

ناظر این طرح دکتر محسن جوادی مدیر گروه فلسفه اخلاق دانشگاه قم است که پیش از این مدیریت مجموعه «اخلاق پژوهش» را عهده دار بوده و مجموعه ای مفید و کاربردی ارائه کرده است. ایشان همچنین سردبیری مجله پژوهش های فلسفی - کلامی دانشگاه قم را در کارنامه خود دارد.

تجربه مشترک پیشین جوادی و محققان مرکز تحقیقات نور در تدوین اخلاق نگارش و پژوهش بر اساس متون حدیثی که به صورت یک مقاله بلند در کتاب «اخلاق پژوهش» منتشر شد، تجربه ای جالب توجه بود. در آن مورد نزدیک به ششصد حدیث در سی و چند موضوع فرعی دسته بندی شد و به جنبه هایی از احادیث توجه شد که مسائل اخلاق نگارش را که امروز مورد نیاز است، می توان از احادیث سده های پیشین استخراج کرد.

حق مطلب این بود که به آن نوشتار بیشتر توجه شود که نگارنده از بازخورد آن خبر ندارد، ولی می خواهم بگویم: کمترین پیام آن نوشتار و این رساله این است که در روز و روزگاری که گروه های تکفیری و خشونت گرای منطقه، به نام اسلام عرصه را بر هر گونه مسالمت و آرامش و برخورد خردگرایانه و اخلاقی بسته اند، این ندای اخلاق مدار مبتنی بر متون خردگرای شیعی ارزش ویژه ای دارد که باید در ترویج آن کوشید.

باری، جوادی در مقدمه خود بر کتاب «مسائل اخلاقی فناوری اطلاعات» درباره فقه و اخلاق و کلام و رابطه میان آنها سخن گفته است. همچنین درباره پیوند میان ارزش های مطلق عقلی با ضوابط اخلاق اسلامی توضیح کوتاهی بیان می دارد. او اخلاق کاربردی و تاریخی آن در گذشته جهان اسلام و روزگار معاصر را باز می گوید که تلفیقی از مواجهه عقلی و نقلی است؛ به گونه ای که برای کسانی که اسلام را دینی آسمانی نمی دانند نیز قابل استفاده و بهره گیری باشد.

جوادی اشاره می کند که این مجموعه - که برگرفته از نرم افزار جامع الاحادیث تولید مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور است - برای استفاده در پروژه سند اخلاق فناوری اطلاعات با رویکردی اسلامی آماده شده و در قالب یک کتاب نیز انتشار یافته است.

[۳]

کتاب در چند فصل تدوین شده است. از آنجا که تعداد روایات هر بخش نشانگر سیمای کلی کتاب است و شمارش انجام نشده است، تعداد روایات هر بخش را نیز در کنار عنوان می نویسم:^۱

حریم خصوصی: ۴۳ روایت

گمنامی: ۱۵ روایت

اخلاق حرفه ای فناوری اطلاعات: ۵۳ روایت

جرم رایانه ای: ۴۲ روایت

گردش آزاد اطلاعات: ۷ روایت

حق مالکیت معنوی: ۵ روایت

امنیت اطلاعات: ۲۸ روایت

بازی های رایانه ای: ۷ روایت

هویت مجازی: ۱۸ روایت

مجموع روایات کل کتاب - بر اساس این شمارش - ۲۱۸ مدخل است.

۱. یکی از اشکال های کتاب، آوردن آیات قرآن، تفسیر، سیره و فقه تحت عنوان «روایت» است. در آینده خواهیم گفت که عنوان روایت در اینجا بر سبیل مسامحه است.

اخلاق کاربردی و حرفه ای
امروز جای مباحث نظری
اخلاق را که در گذشته رواج
داشت گرفته است. کاربرد
اخلاق در حوزه های مختلف
مانند روزنامه نگاری، پزشکی،
پرستاری، مهندسی، نگارش و
پژوهش، هنر، تجارت و غیره،
افق هایی جدید از اخلاق
بر روی مردم و متخصصان
گشوده که در دنیای فعلی
بسیار دیدنی است.

[۴]

پیش از بیان نکات مربوط به کتاب، باید این حقیقت را یادآور شوم که ورود در این عرصه به جسارتی نیاز داشت که گردآورندگان این کتاب چنین خطر کردند و برای نخستین بار وارد میدانی شدند که از کلی‌گویی دست بردارند و سخنی مبتنی بر پژوهش بگویند. نفس این مطلب که گروهی کاری عرضه کنند با این آمادگی که خود را در معرض انواع نقدها قرار دهند، نوعی شهامت می‌طلبد که در فرهنگ ما کمتر دیده شده است. همین شهامت، جسارت، نوآوری و خلاقیت مزیتی است که تمام نقدهایی را که بر این کتاب وارد است و پس از این یاد می‌شود می‌پوشاند.

تأکید می‌شود که این نقدها برای جلب توجه اهل نظر به این کتاب ابتکاری است و فقط بدان دلیل بیان می‌شود که این طرح گام دوم را حساب شده بردارد و در آینده‌ای نزدیک شاهد نسخه‌های کامل‌تر آن باشیم. به علاوه نکاتی که در این‌گونه نقدها بیان می‌شود، ویژه این کتاب نیست. گاهی ناقد چنین نقدی را وسیله‌ای می‌داند برای انتقال تجربه‌های نگارشی و ویرایشی که در طول سال‌ها اندوخته است؛ یعنی نقد کتاب جنبه آموزشی به خود می‌گیرد که آگاهی از آن سبب پیشگیری از خطاها در جاهای دیگر می‌شود. نگارنده سطور به همین گفتار خود از همین منظر نیز می‌نگرد، بنابراین مخاطبان خود را منحصر به خوانندگان این کتاب و علاقه‌مندان به این موضوع نمی‌داند.

با این مقدمات ضروری نقدهای وارد بر این کتاب را در چند گروه دسته‌بندی کرده‌ام که در پی می‌آید.

گروه اول: نقدهای روش‌شناسانه

گروه دوم: نقدهای حدیث‌شناسانه

گروه سوم: نقدهای نگارشی و ویرایشی

[۵]

نقدهای روش‌شناسانه چنین است:

۱. درونمایه کتاب علاوه بر روایات که بخش اصلی کتاب را تشکیل می‌دهد، شامل آیات (ص ۲۵ تا ۲۷، ۳۶، ۴۱، ۴۲، ۴۹ و ...)، سیره (ص ۷۰، ۱۰۵، ۱۰۷)، کلام مفسران (ص ۷۶، ۲۶، ۹۲) و فقها (ص ۷۶، ۱۰۵) است، پس بهتر است عنوان کتاب چنین تغییر یابد: «اخلاق فن‌آوری اطلاعات در متون اسلامی» تا تمام محتوای فعلی را در برگیرد و در صورت گسترش‌های آینده نیز عنوانی گویا باشد.

۲. در هر فصل بهتر است ترتیبی در پیش گیرند. مثلاً: متن آیات، روایات، تفاسیر، سیره، کلام فقها.

۳. پیوند موضوعی میان برخی از فصول با عنوان اصلی کتاب روشن نشده است. برای مثال عنوان گمنامی (ص ۳۳ - ۳۷). درونمایه

مطرح شده در این فصل بیشتر به نکته‌ای مربوط می‌شود که به عنوان کاری پسندیده در ضمن مراتب سلوک مطرح می‌شود (فعالاً کاری به صحت و سقم آن نداریم)، ولی به هر حال ربطی به «نوشتن با اسم مستعار» در فضای مجازی ندارد.

۴. درج شماره پیاپی برای این نصوص کمترین کاری است که برای بازیابی آنها می‌توان انجام داد. متأسفانه این کار انجام نشده است.

۵. ضرورت آوردن فهرست منابع و کتابشناسی چنین کاری که جنبه مرجع دارد وجود دارد.

[۶]

نقدهای محتوایی حدیث‌شناسانه چنین است:

۱. یکدستی در کتاب دیده نمی‌شود. چند گروه نایک‌دستی یاد می‌شود: الف) بعضی از احادیث با سند نقل شده (ص ۲۱، ۲۵، ۲۸) و بیشتر آنها بدون سند.

ب) برخی از اخبار از منبع اصلی آن نقل شده است؛ مانند ص ۳۰ و ۳۷ (از کافی)، اما بیشتر آنها از کتاب‌های میانی مانند وسائل الشیعه و بحار الانوار، در حالی که منبع اصلی موجود است و در اختیار همگان. شیوه صحیح در مورد نقل از کتاب‌های میانی معمولاً برای منابعی است که ما امروز به آنها دسترسی نداشته باشیم، نه آنچه نسخه و منبع اصلی موجود باشد.

در یک مورد منبع یاد نشده است (ص ۳۵) و در یک مورد شماره مجلد یاد نشده است. (ص ۳۶)

ج) برخی از احادیث با اعراب است و بعضی بدون اعراب. در بیشترین صفحات هر دو نمونه را می‌توان دید.

د) بعضی از احادیث غررالحکم بدون شرح نقل شده (ص ۳۳ و ۴۶ و ۵۲ و ۵۵ و ...) و بعضی با شرح مرحوم آقا جمال خوانساری (ص ۴۲ و ۴۳ و ۴۵ و ۵۱ و ...) که البته نام شارح یاد نشده و این خود از خطاهای کتاب است.

ه) با اینکه در تمام کتاب بنا بر نقل حدیث و ترجمه آن است، در ص ۱۰۶ و ۱۰۸ به جای ترجمه با توضیح مواجه می‌شویم.

۲. نقل از منابع متأخر مانند روایت پیامبر از نهج الفصاحه (ص ۴۷ و ۶۱) و روایت امام حسن عسکری (علیه السلام) که از تفسیر روشن نقل شده (ص ۴۳)، در حالی که با یک رجوع ساده به بانک‌های اطلاعاتی مرکز نور منبع اصلی آن تفسیر امام عسکری (علیه السلام) و منابع میانی (تفسیر صافی و بحار الانوار) مشخص می‌شد.

۳. در برخی موارد متن حدیث با غیر حدیث آمیخته شده است. برای

نمونه:

الف) متن احادیث غرر الحکم با شرح فارسی آقا جمال خوانساری (ص ۴۳، ۴۵، ۵۱، ۵۴)، بدون اینکه به نام شارح اشاره شود.

ب) متن حدیث با شرح شارح (احتمالاً قاضی نعمان) به زبان عربی، مانند این حدیث پیامبر: «انه نهی عن محادثة النساء یعنی غیر ذوات المحارم و قال: ...» (ص ۶۱). برای حدیث شناسان روشن است که عبارت «غیر ذوات المحارم» کلام یکی از شارحان است، ولی این کتاب برای عده‌ای دیگر به عنوان کتاب مرجع مورد استناد و استفاده و نقل قرار می‌گیرد و در آن موارد مشکل پیش می‌آید.

مشابه این مورد، حدیث ص ۲۴ از کتاب الانشباہ و النظائر است که کلام صاحب آن کتاب با حدیث پیامبر در هم آمیخته است.

در ص ۹۷ حدیثی از امام کاظم (علیه السلام) روایت شده که بد اخلاقی کودک در کودکی، سبب بردباری او در بزرگی است. در متن حدیث آمده: «ثم قال: ما ينبغي الا ان يكون هكذا». در ترجمه فارسی ضمیر را به امام برگردانده‌اند، در حالی که ظاهر مطلب می‌رساند که گوینده آن راوی حدیث (صالح بن عقبه) باشد؛ زیرا منطقی نیست که امام کلام خود را تأیید کند، آن هم با چنین جمله‌ای.

این‌گونه احادیث را در علم الحدیث «مُدْرَج» و این پدیده را «ادراج» می‌نامند. احادیث مدرج در زمره احادیثی است که برای استفاده از آنها باید رفع ادراج شوند؛ یعنی محل دقیق سخن امام معصوم از غیر معصوم (راوی، کاتب، نویسنده، شارح) معین شود.

ج) در چند مورد شعر فارسی پس از متن حدیث آمده، بدون اینکه نام شاعر و منبع شعر مشخص شود. (ص ۵۱ و ۴۷ و ۶۲).

۴. احادیثی که در کتاب آمده دو گونه است:

بیشتر آنها بار اخلاقی محض دارد که هدف اصلی کتاب را تأمین می‌کند.

اما برخی از آنها به گونه‌ای است که می‌توان از ظاهر الفاظ آن در نگاه اول، حکم فقهی فهمید. (مانند حدیث آخر ص ۶۹ در مورد جواز قتل جاسوس، بیشتر احادیث باب هویت مجازی در ص ۱۰۳ تا ۱۱۰ و برخی از احادیث باب حریم خصوصی در ص ۱۷ و ۱۸). در مورد این گروه از احادیث باید در مقدمه کتاب تذکر داده شود که این کتاب مجموعه حدیث است، نه کتاب فتوایی و نه فقه استدلالی. بدیهی است که یک فقیه با توجه به مجموعه روایت یک باب به علاوه قرائن و مبانی استنباط (برخاسته از علم رجال و درایه و اصول فقه و مانند آنها) فتوا صادر می‌کند، نه به محض دیدن یک روایت. بنابراین خواننده‌ای که از این نکته آگاه نیست، در این‌گونه موارد به بار اخلاقی حدیث بیندیشد،

نه اینکه خود را در جایگاه فتوا ببیند و بداند.

۵. در پاره‌ای موارد ربط میان عنوان فصل با محتوای آن جای تأمل دارد. برای مثال خواننده در فصل بازی‌های رایانه‌ای انتظار دارد در این مورد حدیث یا مستندی ببیند، نه اینکه با هفت حدیث روبرو شود که بازی کردن کودک را مثلاً تا هفت سالگی تأیید می‌کند.

نکته مهم در این قبیل کتاب‌ها آن است که نویسنده نباید خود را مجبور بداند که در تمام عناوین فرعی مربوط حدیث یا مستند بیاورد، بلکه پیوند مستدل و محکم لازم است تا حدیثی را زیر یک عنوان بیاورد. بدین جهت است که کتابی مانند «وسائل الشیعه» در سده دوازدهم یا «الحیاء» در سال‌های اخیر مورد توجه اهل تحقیق قرار می‌گیرد، از آن روی که گزینش عناوین پس از سال‌ها پژوهش اجتهادی صورت گرفته است.

۶. با اینکه نویسندگان ادعای ارزیابی احادیث نکرده‌اند، ولی در مورد بعضی احادیث دست‌کم می‌توانستند تأمل کنند و تا ویرایش بعدی فرصتی برای بررسی محتوایی به خود بدهند؛ یعنی تا آن زمان از نقل این‌گونه احادیث خودداری کنند.

نمونه این موضوع حدیث ص ۹۷ است که طبق آن روایت شده (از کی؟ روشن نیست) که زیرک‌ترین کودکان کسی است که بیش از همه با کتاب دشمنی کند.

از آنجا که این جمله ذیل روایت امام کاظم (علیه السلام) آمده این توهم را پدید می‌آورد که کلام آن حضرت باشد، در حالی که به این مطلب تصریح نشده (زُوی یعنی روایت شده است)، اما مهم‌ترین نکته اگر یک دانش‌آموز فراری به این حدیث دست یابد چه می‌کند؟ آیا دستاویزی برای درس‌گریزی نمی‌یابد؟

۷. در ص ۹۹ حدیثی آمده که متن آن چنین است: «قال: رأیت...». مترجم گرامی به خود زحمت نداده که مرجع ضمیر را با توجه به سطور پیشین پیدا کند. پس ترجمه کرده است: «گفت: دیدم...»

۸. در پایان متن حدیث ص ۳۰ آمده «الحدیث» و این کلمه به گونه‌ای در ادامه جمله آمده است که افراد ناآشنا با این‌گونه متون آن را جزء متن می‌دانند.

در حالی که یکی از آداب نقل حدیث در گذشته این بود که وقتی نویسنده فقط به بخشی از حدیث نظر داشت، نه تمام حدیث، بخش مورد نظر را نقل می‌کرد و در پایان آن همین کلمه را می‌نوشت. امروز نماد سه نقطه گویای این مطلب است، چنان‌که در موارد متعدد این کتاب به کار برده‌اند. از جمله در متن همین حدیث آمده: «الی ان قال» و مترجم به جای ترجمه تحت‌اللفظی از نماد سه نقطه بهره گرفته است. (نمونه‌های دیگر: ص ۱۷، ۱۹، ۳۳، ۵۲، ۴۴ و ...)

فراموش نشود که مخاطبان این کتاب متخصصان علم الحدیث نیستند، بنابراین باید کتاب به گونه‌ای نوشته شود که کمترین سوء تفاهم را پدید نیاورد. یا اینکه نمادهای تخصصی در جای خاصی توضیح داده شوند.

۹. اختصار و گزینش در نقل در چنین کتاب‌هایی لازم است. روشن است که این کتاب موسوعه حدیثی نیست که نص کامل تمام احادیث نقل شود، اما گزینش در نقل باید به گونه‌ای باشد که روح و پیام کلام منتقل شود. در ص ۴۴ و ۴۵ حدیثی به طور مختصر نقل شده که متن کامل آن این است:

«مَنْهُوَ مَنْ لَا يَشْبَعَانِ: طَالِبُ عِلْمٍ وَ طَالِبُ دُنْيَا. فَأَمَّا طَالِبُ الْعِلْمِ فَيَزِدُّهُ رِضَا الرَّحْمَنِ، وَأَمَّا طَالِبُ الدُّنْيَا فَيَتَمَادَى فِي الطُّغْيَانِ».

در اینجا پیامبر این دو گروه را با هم مقایسه می‌کنند و برتری اهل علم بر طالبان دنیا را بیان می‌دارند. این هدف با نقل کامل حدیث تأمین می‌شود، نه گزینش که پیام را ناتمام می‌گذارد.

۱۰. کتاب گاه گرفتار تکرار شده است. حدیث «العلماء امانة امتی» به نقل از کنز العمال که در صفحات ۴۸ و ۴۶ آمده است.

۱۱. این نکته باید تذکر داده شود که گاه عین آنچه در حدیث آمده مورد نظر نیست، بلکه روح کلی آن باید با توجه به زمان و مکان و شرایط بومی سازی شود. به عبارت دیگر حدیث ماده خامی است تا از آن فرآورده‌ای مطابق با نیاز روز به دست آید.

برای مثال آداب نوشتن از بیت المال که در حدیث ص ۴۸ آمده، می‌تواند امروز به این معنا برگردد که کتاب‌سازی در فرهنگ دینی جایی ندارد، به ویژه آنجا که پای اموال عمومی (دولتی، حوزوی، خیریه و مانند آن) در میان است.

۱۲. عنوانی که در ص ۱۰۸ برای حدیث انتخاب شده شگفت است: «توصیه امام عسکری به نرجس برای ایجاد هویت مجازی». متن حدیث چه ربطی به هویت مجازی - به معنای امروزی آن - دارد؟ جالب اینکه این تنها موردی است که برای یک حدیث عنوان خاص انتخاب شده است.

[۷]

نقد های ترجمه ای و ویرایشی

۱. ترجمه متون احادیث به دست افراد مختلف انجام شده است. بنابراین قلم آنها یکسان نیست. البته این مشکل با ویرایش به راحتی قابل حل بود، به ویژه که حجم کار زیاد نیست. ولی همان نیز انجام نشده است.

در اینجا چند نمونه از جملات ترجمه را می‌آورم، همراه با جملات پیشنهادی که درون قلاب می‌نویسم:

ص ۱۷: خداوند ... شش خصلت را بر من مکروه نمود [شش خصلت را برایم ناخوش داشت]

ص ۲۹: درب عبادت و طاعت ملازمت خلوت است به مداومت تفکر [راه رسیدن به عبادت و طاعت، خلوت‌گزینی است و همواره اندیشیدن]

ص ۲۳: ملاک علم پهن کردن آن است [شاخص علم، گستراندن آن است]

ص ۲۳: زکات علم پراکنده کردن آن است [زکات دانش، گستراندن آن است]

نکته مهم در این قبیل کتاب‌ها آن است که نویسنده نباید خود را مجبور بداند که در تمام عناوین فرعی مربوط حدیث یا مستند بیاورد، بلکه پیوند مستدل و محکم لازم است تا حدیثی را زیر یک عنوان بیاورد. بدین جهت است که کتابی مانند «وسائل الشیعه» در سده دوازدهم یا «الحیة» در سال‌های اخیر مورد توجه اهل تحقیق قرار می‌گیرد، از آن روی که گزینش عناوین پس از سال‌ها پژوهش اجتهادی صورت گرفته است.

[۸]

حکایت همچنان باقی

از خواننده عزیز انتظار دارم که نکاتی را که در آغاز این مقال بیان شد بار دیگر مرور کند.

پیام اصلی این نوشتار ارزشمندی این کتاب است و ضرورت ویرایش و تکمیل و روزآمدسازی آن؛ برای اینکه:

۱. ظرفیت متون دینی کهن را برای پاسخ‌گویی به نیازهای نوپدید نشان دهیم.

۲. از بیان شعاری و کلی به بیان جزئی و موردی برسیم.

۳. تکلیف خود را با سرفصل‌هایی مانند بومی‌سازی علوم روشن کنیم.

پیمودن این راه‌های نرفته کاری دشوار است، ولی سبب می‌شود راهی ضروری برای آیندگان هموار شود تا آنها بهتر و آسوده‌تر در آن گام زنند و دیگران را بدان فراخوانند.

بدین روی می‌گویم: به پایان آمد این دفتر، حکایت همچنان باقی ...

در دو جمله یادشده، «پهن کردن» و «پراکنده کردن» در برابر کلمه «نشر» آمده است: ملاک العلم نشره، زکاة العلم نشره.

ص ۴۶: انتخاب واژه «آگاهان» در برابر «علماء» بسیار شگفت است. مگر واژه‌هایی مانند عالمان، دانشمندان، دانشوران وجود ندارد؟ (چنان‌که در ص ۴۸ همین حدیث تکرار شده و کلمه دانشمندان به کار رفته است).

ص ۵۳: در ترجمه حدیث نهج البلاغه این جمله را افزوده است: «و همانا بزرگ‌ترین خیانت، خیانت به ملت است». این جمله در متن حدیث نیست. ترجمه - خصوصاً ترجمه متون مقدس و کهن - باید در نهایت وفاداری به متن انجام شود و افزوده‌ها در داخل قلاب بیاید.

ص ۹۷: عبارت «نباید جز چنین باشد» در برابر «ما ینبغی الا ان یکون هکذا». نارسایی عبارت نیازی به توضیح ندارد.

همین گونه است: ترجمه حدیث غرر الحکم در ص ۴۶ و ۸۷.

۲. اصولاً علائم سجاوندی در کتاب رعایت نشده است، نه در متن عربی و نه در ترجمه‌های فارسی. این نارسایی در کتابی که دو مرکز علمی بر تولید و نشر آن نظارت داشته‌اند، بخشیدنی نیست. نیازی به ذکر نمونه نمی‌بینم. سراسر کتاب گواه این مدعا است.

۳. ترجمه باید مفهوم باشد؛ یعنی باید با توجه به مخاطب کلمات ناآشنا به کار نبرد و اگر ناگزیر به کار بردیم، در پانویس توضیح دهیم. گاهی به این اصل در ترجمه‌های احادیث توجه نشده است، مانند ص ۵۲ که در ترجمه دو حدیث (که در واقع دو بخش گزیده از یک حدیث هستند) واژه‌های مراء و جدال به کار رفته است، بدون توضیح مناسب و کافی. همین گونه کلمه حزم در ص ۸۷ و حجرات در ص ۱۹.

۴. نمونه خوانی کتاب درست انجام نشده و خطاهای چاپی در آن راه یافته است. برخی از موارد را که دیده‌ام می‌نویسم: (متن صحیح در داخل قلاب می‌آید)

ص ۳۵ س ۱۹: انعمه (النعمة)

ص ۴۷ س ۸: اشنباه (اشتباه)

ص ۶۴ س ۱۴: که فرمود (فرمود)

ص ۶۵ س ۵: تا به (تا او را به)

ص ۶۶ س ۹: فان (فانه)

ص ۷۵ س ۱: و بشر (فبشر)

ص ۸۶ س ۵: کلمه بحار الانوار، زائد است.

ص ۹۷ س آخر: کلمه است، زائد است.

۵. تمام نکاتی که بیان شد با ویرایش علمی و ادبی قابل تأمین است. امید است که برای چاپ‌های بعدی از این مهم غفلت نشود.